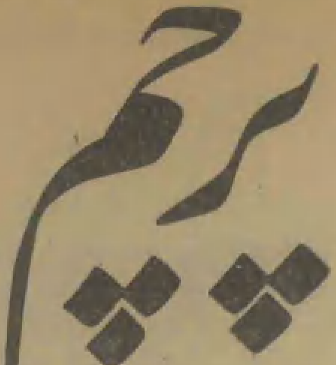
جای اداره
خیابان لاله زار کوچه مهران پاساژ بختیاری
تلفن ۶۰۳۶
تك شماره ۵۰ دینار



دارنده و نویسنده کسروی تبریزی

بهای اشتراك
سالانه ۱۴۰ ریال شش ماهه ۷۵ ریال
سه ماهه در همه جا ۴۰ ریال

بهای آگهی
هرسطری : صفحه دوم ۴ ریال صفحه سوم ۳ ریال
صفحه چهارم ۲ ریال

سال یکم - شمارهٔ ۷۱

آدینه ۲۸ فروردین ماه ۱۳۲۱

ما بکار از راهش در آمده ایم

— ۳ —

کوتاه سخن آنکه ما از راه نشر حقایق پیش آمده‌ایم ومقصودمان آنست که یك رشته حقایق روشن گردد و یك دسته مردان با غیرت - از دور و نزدیك - در پیرامون آنها همدستی نمایند و راهنمای اندیشه های توده باشند .

ما در ایرانیان یك بیچارگی غریبی حس کردیم . در این جهان پر حوادث این مردم بیچاره نمی دانند چکار کنند و روبکدام سوآورند . همچون غریقی که به سیل افتاده دست و پا زنان میروند ونمیدانند کارشان بکجا خواهد انجامید .

سالهاست در ایران راهی برای زندگانی نیست و مردم همه سرگردانند و نمیدانند رو بکجا برگردانند یکدسته گوش بسوی اروپا دوخته اند که یك آوازی از آنسو بشنوند وفهمیده و نافهمیده دنبالش را گیرند، و هرچه در اروپا هست - از دموکرات ، و سوسیال دموکرات ، و ناسیونال سوسیالیست ، و کومونیست - در ایران شبیهش را سازند . یکدسته دیگری چشم ازجهان پوشیده و خودرا بدامن اندیشه های کهن - ازصوفیگری وخراباتیگری و مانند آن - می اندازند و با اینها خود را سرگرم میسازند . یکدسته دیگری سر گردانی را با بی حمیتی توأم گردانیده به بیگانگان می گرایند و خودرا افزار دست آنان میگردانند .

به بینید بیچارگی بکجا رسیده : در این کشور خونها ریخته شد و پس از سالها کوشش مشروطه (یا حکومت ملی) برپا گردید و هنوز سی و چند سال نگذشته دسته های انبوهی از آن دلسردی می نمایند ، و ما چون می پرسیم : « علت این دلسردی چیست؟! » می بینیم پاسخی نمی توانند ، وعلتی جز سرگردانی و نافهمی برایش پیدا نمی کنیم .

این سرگردانی و بیچارگی توده ، من‌ویارانم را برآن وامیدارد که بمیان آییم و مردان غیرتمند را از دور و نزدیك بیاری خود خوانیم و باین سرگردانی و بیچارگی چاره اندیشیم . برآن وا میدارد که یکرشته حقایق زندگانی را بمیان آورده و یکراهی باز کرده و همه آزادگان و غیرتمندان را بهمراهی دعوت نماییم .

ما نیك میدانیم در این کشور مردمان خونگرم با غیرت فراوانند - فراوانند آنمردان گردنفرازی که خواری و زبونی توده آنانرا دلسوخته گردانیده و برای کوشش و جانفشانی در این راه آماده اند .

ایندسته مردان فراوانند ، ولی از هم پراکنده اند و بهم مربوط نمیباشند . هر یکی به تنهایی در آتش درد میسوزند ، هر یکی به تنهایی می اندیشند و چاره ای نمی توانند . ما میخواهیم آنان را بهم مربوط گردانیم میخواهیم همه را بیکراه کشانیم . بآنانست که آواز برداشته می گوییم :

بیایید ای غیرتمندان ، بیایید ای دلسوختگان ، بیایید هم اندیشه باشیم و بچاره دردها کوشیم ، بیایید از دور و نزدیك دست بهم دهیم و این توده گرفتار را رها گردانیم .

رستگاری ایران بادست شما تواند بود . ولی باید بیکراهی درآیید وهمگی اندیشه وآرزو یکی گردانید . باید از دور ونزدیك خودرا بما بشناسانید وبا ما ارتباط پیدا کنید برای همین مقصود ما روزنامه را بنیاد گزارده‌ایم .

ما چنانکه گفته ایم شانزده موضوع را برگزیده ایم که بتدریج بگفتگو گزاریم . اینها برنامهٔ ماست ما که شما را بهمدستی میخوانیم برنامه خود را برای شما شرح میدهیم .

ما پیش‌از همه میخواهیم هواداری ازمشروطه کنیم . چنانکه گفته‌ایم مشروطه یاسررشته داری توده‌بهترین شکل حکومت است . می‌باید بکوشیم و این رادر ایران استوار گردانیم و نگاهش داریم . کسانیکه ازاین‌دلسردی می نمایند دلیلی جز هوسمندی یا نافهمی ندارند . آنانکه می گویند : «آزموده شد این توده شایسته‌مشروطه نیست » بایدپرسید، این را که آزموده ؟ . . در این کشور هنوز مشروطه اجرا نگردیده تا کسی بیازماید مردم شایسته آن نمیباشند . هنوز انبوه مردم معنی مشروطه را نمیدانند . هنوز جز نامی از مشروطه در ایران نمیباشد .

دوم ایرانیان قدر کشور خود را نمیدانند . این سر زمین با این آب و هوا و با این باردهی، یك نعمت گرانبهاییست که باید قدر آن را بدانند و با کاشتن و آباد کردن و کان بیرون آوردن از آن بهره مندی نمایند . از آنسوی همیشه بنگهداری آن کوشند و در این راه جانفشانی دریغ نگویند .

چنانکه می گویند ایران شش برابر خاك فرانسه است . در حالیکه نفوس ایران یك نیم مردم فرانسه میباشد . از سنجش این ارقام می توان نتیجه گرفت که این سرزمین برای زندگانی‌دوازده برابرنفوس کنونی کفایت دارد . در جاییکه با حال کنونی برای زندگانی مردم کم خود کفایت ندارد وما ناگزیر گردیده از دیگران غله خریداری می کنیم .

این خود نتیجه ندانستن معنی زندگانی و پی نبردن بحقایق است . ما در این باره میخواهیم حقایق را روشن گردانیم و از راهیکه نشان داده ایم دست بهم داده به نگهداری این سر زمین ، و همچنین به بهره مندی از آن کوشیم .

سوم یکی از گرفتاریها در ایران درهم آمیختگی کار ها و پیشه ها و شناخته نبودن معنی آنهاست . ایرانیان‌معنی‌درست کار وپیشه را نمیدانند واینست به مفتخواران وبیکاران که خود گناهکارند و باید خوارشان داشت احترام می گزارند . یکرشته کار های بیهوده ای را (ازقبیل دست بدست گردانیدن‌ کالا ها ومانند آن) مشروع می شمارند و از آنسوی کار کردن در ادارات دولت را که نیاز سختی بآن داریم نامشروع می انگارند .

اینها گذشته ازآنکه نادانیست وبرای یك توده مایه ننك میباشد خود اختلال بزرگی در پیشرفت زندگی پدید می‌آورد . اینست ما معنی حقیقی کار وپیشه را روشن گردانیده می کوشیم این زمینه را بحقیقت خود برگردانیم.

این چند چیز از مقاصد ما آنهاییست که تاکنون شرح کرده ایم و من در اینجا بطور خلاصه آوردم . بازمانده را هم بیاری خدا شرح خواهیم کرد . برای همدستی در پیرامون اینهاست که همه نیکمردان و غیرتمندان را میخوانیم .

در پیرامون گفتار (مجازات خاینین میهن)

گفتاری زیر عنوان فوق در شماره ۶۹ درباره بد رفتاری افسران رضائیه و گریز آنها در پیشآمد شهریور ماه نوشته شده که از جمله نام سروان رفیع انصاری برده شده . پس از چاپ آن گفتار کسی بدفتر پرچم آمده و چند مدرك نشان داده که سروان رفیع انصاری درپیشآمد شهریور ماه در کردستان در یك زد و خوردی زخم برداشته است (و چنین گفته که هنوز در زیر معالجه میباشد) ودر نتیجه جدیت و کوشش مورد تقدیر وزارت جنك شده و ترفیع یافته است .

پیداست که مدارك رسمی را باید پذیرفت و بر طبق آنها سروان رفیع انصاری متهم به گریز از جنك نمی باشد . چیزی که باید گفت اینست که درآن گفتار به آقای سروان رفیع نسبت گریز نداده بلکه نسبت بد رفتاری داده واینك عبارت نویسنده : « از این قبیل مظالم از حد وحصر خارج است و تماماًهم باطلاع خودسرلشگر وتوسط اصلانی وسروان رفیع انصاری بعمل آمده‌است».

مقصود اینست که آن نسبت منافات با این مدارك ندارد . ازطرف‌دیگر نویسنده‌آن گفتار مرد راستگویی میباشد و غرض با کسی ندارد . با اینحال ما درخواست میکنیم کسانی‌از مردم رضائیه بخصوص‌ازآشنایان‌ما اگر در این باره آگاهی‌دارند بنویسند که مطلب روشن گردد

قابل توجه جناب آقای وزیر دارائی

اهالی جهرم‌بااینکه‌بسختی عادت‌دارندو تا بتوانند از ناله و شکایت امتناع مینمایند ازگرسنگی وبی قوتی کارد به استخوانشان رسیده بناله وفریاد شروع کرده‌اند

مردم این شهر عموماً کارشان زراعت غله و غرس نخل و لیمو و اشجار دیگر است . با گاو ودلوبند و چند کارگر اندك اندك آب از چاه عمیق بیرون می آورند و نخلستان های بزرك و باغستان های لیمو و غیره بر پا میکنند غلات بیش از کفایت خوراك خود تهیه مینمایند از لحاظ در آمد مالیاتی مفید ترین مردم فارس میباشند با این همه زحمت‌کشی کارگران آن‌جا عموماً بنان جوی بی خورش قناعت دارند و امروز خود از آن محروم مانده اند استدعا میشود توجه مخصوصی باین مردم که از هر جهت سزاوار ترحمند معطوف وبه اقدام عاجل امرفرمایند تا یکدسته سی هزار نفری که خود مولــدین نان و ثروت هستند از مرك‌و گرسنگی رهائی یابند .

م . فرهنك

بخامهٔ سیروس

اسرار استنطاق دادگاه

(۴۵)

چنان که عرض کردم رئیس محکمه اصرار داشت که عموم نظامیان را باعدام رساند ودر این راه اصرار بسیار میورزید اما شاه گفته بود سه نفر از رفقای ما را بکشند . مختاری پنج نفر را برای اعدام در نظرگرفته ولی سطح مجازات را در باره همه بالا برده وهیچ‌گونه راه نجاتی باقی نگذاشته بود .

این سه عقیده باهم اصطکاك‌یافته ومایه ترس‌ووحشت ما شده بود . معلوم نبود قرعه این فال بنام که در خواهد آمد که را خواهند کشت ، دیگران‌چه سرنوشتی خواهند داشت ؟ اما از همان ابتداء کشته شدن جهانسوز دراین قضیه محرز بود ، خود اوهم میدانست اما برای آن که رفقا و خانواده هارا متوحش ننماید از اظهار این‌حقیقت خودداری‌میکردجهانسوزرابادست بندو پابندآهنی‌بمحکمه آورده بودند او درصف‌اول نشسته وآماده بود که هنگام لزوم‌شخصاً از جمعیت مادفاع نماید لیکن چنانکه خواهید دید باو اجازه دفاع ندادندو برای آخرین بار احساسات آتشین این جوان را خاموش ساختند .

دادستان ، داد ستان محکمه همان مستنطق ما بود ادعانامه هم معلوم بود که در حال عیش ومسرت و نشئه و شادمانی تنظیم شده است ، سر تا پا شعر بود . سجع و قافیه ونکات ادبی را بر حق و عدالت مقدم داشته بود . این ادعا نامه خانمان‌سوز از محیط حق ووجدان بکلی دور وهیچگونه رابطهٔ باکیفیت ما نداشت . این ادعا نامه نمك میوهٔ بود که باید تمام این ستمها وبیدادگریها را در کام ماحل نماید راه چاره وگریز نیست . کسانی که این فجایع راندیده واین‌ستمهارا نکشیده اند فرق میان‌آزادی واستبداد را نمیدانند . خانواده هائیکه در عزای فرزندان خود سوگوارنشسته وداغ جوانان رادردل ننهاده اندنمی توانندابن کیفیات راتصور نمایند . خداگواه است‌ازشرح چگونگی‌وجریان‌این‌محکمه‌شرم‌دارم‌شرم دارم شخصیت آن‌دادستان‌رابنویسم . جریان‌این‌محکمه از جنبه قضایی دور ومحروم بود . همان ملای کذایی را وکیل مدافع‌ما قلمداد کردند وکیل همگی ما یکنفر بود و آن را هم خودشان تعیین نموده بودند . این ملا قاضی عسگرهم بود وصناً گاهگاهی در تراژدیهای دادرسی ارتش انجام رلی را عهده دار میشد .

رئیس‌محکمه دست روی‌مهرهٔ زنك گزاشته ورسمیت محکمه رااعلام‌نمود انتخاب این‌شخص برای ریاست‌محکمه ما اسباب تشویش ما بلکه تمام دوستـان و آشنایان ماشده بود . زیرا سه نفر در ارتش بخونخواری وقساوت قلب مشهور بودند که هرگاه امر خطیری پیش می آمدو خشم وغضب شاه برانگیخته میشد ، محکمه نظامی تشکیل میگردید که یکی از این سه تن رئیس آن بودند . رفتار این سه نفر چنان ترس و وحشتی در میان افراد ارتش تولید نموده بود که هیچ فردی قادر بانجام هیچ عملی نبود جز اینکه منویات‌شاه را در نظر بگیرد ومطابق‌آن‌رفتار نماید . این سه نفر چنان زهر چشم از افراد ارتش گرفته بودند که تمام احساسات آنان خفه شده وقوای فکر کردن واراده داشتن و اعتماد بیکدیگر از میان بر خاسته بود . افسران جوان وتحصیل کرده وافراد باعشق و علاقه بوطن کور کورانه مطیع صرف مقامات غیر صالحی بودند تا اینکه یکی از افسران جزء که از ظلم وبیدادگری‌این سه نفر بجان آمده بود دست از حیات خود شسته وتصمیم میگیرد که این سه مرد کافر دل‌را بکشد وصحنه قضایی‌را از لوث وجود آنان پاك گرداند .

آن افسری که کمر قتل این سه بیداد گر را بسته بود ستوان شهبازی نام داشته . لاجرم اکثر خوانندگان نام اورا شنیده و از کیفیت مرك او و قتل سرهنك‌خلعتبری آگاهند .

این افسر در بازجوئیهای خود تمام سه تن را ذکر کرده و آنان را بزرگترین بیداد گران ارتش خوانده بود واو آهنك آن داشته که از جان شیرین خودبگذرد و آن سه تن را بکشد و جان ارتشی را ایمن بدارد او در راه ایفای این عهد خود بجان کوشیده واز حیات‌خود چشم پوشیده بود .

ولی این سیر از جان بانجام مقصود خود موفق نگشته و جز یکی از آن دو تن را نتوانسته بود بکشد . آنکه کشته‌گردید سرهنك خلعتبری بود . در روز مرك او افسران و گروهبانان ارتش سورها دادند و شادی‌ها نمودند ولی این احساسات خود را روشن و آشکار نساختند . اما از تقدیر الهی این سرهنك از دست شهبازی رسته و امروز در رأس محکمه ما قرار گرفته است . نمیدانم آن افسر جوان از دست اینان چه ستم دیده و چه جوری کشیده بود که عاقبت از جان‌خودسیر گشته و مرك را بر زندگانی ترجیح میداده .

شادروان حاجی رسول صدقیانی



اینمرد در تبریز یکی از کسانی‌بود که سالها پیش از مشروطه شدن ایران معنی آن‌را دانسته و بهمراهی کسانی در راه تکان ایران وبیداری ایرانیان‌می کوشیده‌اند . سپس نیز چون مشروطه داده شد این بهمدستی شاد روانان علی مسیو وحاجی‌علی دوافروش و دیگران دسته مجاهدان تبریزرا پدیدآوردند .

شادروان حاجی رسول پس از دوسه سال ازآغاز مشروطه باستانبول‌رفت در آنجا می‌زیست و گویا در آنجا بدرود زندگی گفته است .

پندارها

— ۱۳ —

از یك کتاب گفتار بگفتار آورده میشود

یکداستانی‌هم یکی ازآشنایان‌من‌با منجمی دارد، می گوید : سه سال پیش از این در ماه رمضان بود یکی‌از دوستان مرا برای‌افطار دعوت کرد . چون رفتم و ازدر وارد شدم و نشستم گذشته‌از میزبان دو کس دیگر بودند میزبان بمعرفی پرداخت : این آقای مصور رحمانیست . گراورهای خوب میسازد . این آقا ی‌فلان منجم است، تقویم ایشان امروز در ایران فرد است . سپس مرا هم بآنان معرفی کرد .

از همین معرفی سرصحبت باز شد ، آقای منجم‌پس از آنکه مقداری از این سو وآنسو گفتگو کرد رو بمن گردانیده چنین گفت : تعجب است شما تا حال تقویم مرا ندیده اید . مگرباختیارات معتقد نیستید و در کارهای‌خود سعد و نحس را مراعات نمی کنید ؟! میزبان فرصت نداد که من پاسخی گویم و چنین گفت : آری من حالا یادم می‌افتد که آقای فلان از طرفداران پیمان است و قهرا عقیده بعلم نجوم ندارد ، منجم پرسید : پیمان چیست ؟ . . گفت : یك مجله‌ایست که علم نجوم و استخاره و تفال و کلیه این امور را منکر است و در شماره‌های اخیرخود مقاله‌های مفصل در این باب نوشته است .

منجم گفت‌این تازگی‌ندارد . از قدیم زمان هرعلمی منکرینی داشته است ،علم نجوم را نیز همیشه یکدسته منکر بوده‌اندو کتابهادر رد آن نوشته اند ، میزبان گفت لیکن پیمان یك چیز تازه‌هم دارد . زیرا مینویسد : اگر این‌حقیقت دارد که منجم‌می‌تواند از آینده خبر دار باشد پس چرا خود او از این علم استفاده نمی کند ؟ گفت‌چه استفاده‌ای بکند ؟! گفت : می گوید متاعی را که میداندد در آینده نزدیکی ترقی خواهد کرد خریداری کند و بیهای گران بفروشد واز راه تجارت بهره کافی برداشته‌دیگر محتاج نباشد که تقویم چاپ کرده یکی یکریال بفروشد علاوه میگوید: اگر کسی‌بتواند از آینده‌خبر دهد دولتها مهمترین استفاده را از وجود او کنند و او را ملیونر گردانند .

آقای منجم بابك وقار غریبی گفت : تمام این‌استفاده ها میشود . شما چه میدانید من بکجا ها راه دارم و چه کارهایی می کنم . همین چند روز پیش بود که آقای جم (نخست وزیر آنروز بود) فرستاد عقب من ، و من چون رفتم ازجنك آلمان با فرانسه و انگلیس می‌پرسید که کی روی خواهد داد . دوساعت خلوت کرده بود و اینها را می پرسید . حاجی محتشم السلطنه رئیس مجلس چون‌میخواست برای شرکت در جشن تاجگزاری‌پادشاه انگلیس‌باروپا رود فرستاد عقب من‌وچون رفتم انحراف قبله لندن را تحقیق می کرد که نمازش در آنجا درست باشد .

منکه نبایدهمهٔ اسرار را بشمابگویم . هرروزوزراء می‌فرستند از من سئوالها میکنند و من‌جوابها می‌دهم .

چون‌این‌مطالب رامی گفت بدقت در ما می‌نگریست و گویا ملتفت بود که اقوال او را تصدیق نمی کنیم . این بود یکبار لحن مطلب را عوض کرده چنین گفت : میخواهید برای شما یك حکایت غریبی نقل کنم ؟ . و بدون آنکه منتظر جوابی‌ازما بشود شروع بسخن کرده چنین حکایت نمود :

آنسالیکه من باروپا رفتم درپاریس یك پروفسوری بدیدن من آمد و چون شنیده بود که من منجم هستم خواست اندازه علم‌مرا تشخیص دهد بعضی سئوالات کرد من گفتم : باینها چه احتیاج ؟!.. شما یکروزی را معین کنید تامن بشما بگویم که درآن روز سرناهارچه‌خوراك خورده اید . اول قدری تردید داشت ولی سپس چون قبول کرد و یکروزی را معین نمود من بتفصیل خوراك اورا درسر نهار آنروز آگاهی دادم . پروفسور بسیار خوشحال شد و مرا درآیروپلان خودگذاشته‌درشهرهای اروپا گردش داد و بهر کجا که می رسیدیم مرا معرفی می کرد و می گفت دانشمند بزرگیست.

درباره بهای پرچم

آقای کسروی

چندی پیش آگاهی دادید که بهای پرچم را بالا خواهیدبرد . این‌یك خبرناخوشی‌برای ما علاقه‌مندان‌پرچم بود . ما ازاینکه روزی ده شاهی علاوه پول دهیم‌مضایقه نداریم . ولی‌اغلب مردم آن ده شاهی را ملاحظه میکنند و این قهریست که جلو انتشار پرچم را خواهد گرفت .

از این جهت ما دلتنك بودیم و خوشبختانه تا کنون بهارا بالا نبرده‌اید . ولی چون ازموضوع گرانی کاغذ و چاپ آگاهیم این میدانیم که حال کنونی پایدار نخواهد بود .

امروز با دوسه تن ازپرچم خوانان گفتگو میکردیم یکی پیشنهاد کرد که پرچم نیز مثل اطلاعات و روز نامه های دیگر دوصفحه باشد . پرچم با این کاغذ بزرك وبا حروف ریزی که‌نشر میشود در دوصفحه مطالب بسیاری را تواند گنجانید . بخصوص که‌اگر صرفه جویی نیزمنظور باشد وآن جاهایی که اکنون بیجهت سفید می‌ماند نماند . باین معنی که ازسفیدی بالای صفحه اول کاسته شود . در میان سطور فاصله کم باشد . عنوان های درشت گزارده نشود . آگهی های مفصل چاپ نگردد . برنامه رادیو و وبعضی‌مطالب کم فایده درج‌نشود . اینها جبران دوصفحه کم را کرده از طرف دیگر احتیاجی برای بالا بردن قیمت نخواهدگزاشت .

درپرچم دو کتاب نشر میشود : یك کشف آمریکا که بسیارمفید است وباید آن‌را همیشه بچاپ‌رسانید. دیگری قهرمان‌درپاها که چندان‌لزومی بچاپ‌آن نیست . بخصوص که یك تاریخ بیطرفانه نیست ومطالب آن مستند بیك تحقیقات بیطرفانه نمی‌باشد .

اگر بتوانید همین وضع کنونی را ادامه دهید که نه

بیان یکحقیقت

در شماره ۹۱ روزنامه مهر ایران تلگرافی بتاریخ ۱۲ر۱ر۲۱ و بامضاء (برحنا - چراغیان) درج شده مشعربراینکه قسمتی از بیانات آقای نوبخت راجع بوجود اسلحه درکلیمی‌ها و آسوریهای رضائیه (ارومیه) صحت ندارد - این جانب بعد از مطالعه تلگراف مزبور لازم دیدم که توضیحات مختصری عرض نمایم تامطلب کاملا روشن شود . یهودیان رضائیه که اغلب معاملات قاچاق و نا مشروع و وارد کردن اجناس بیگانه را انجام میدهند اخیراً بخریدو فروش اسلحه‌نیز مبادرت میورزند ؛ راجع بوجود اسلحه در آسوریها وغیره هم بیانات آقای‌نوبخت کاملا صحت دارد زیرا قتل علی‌اکبر احمدزاده دهدارو ترور والی‌زاده رئیس اطلاعات شهربانی و بهلول مباشر و جمشید پوراشائی باعالله‌اش و یوئیل صراف وشمشون و غیره‌بهترین گواه و دلیل‌واضح‌براین ادعا است‌وصرف نظر ازاین، دیده شده که بعضی ازآنها حتی مسلسل‌های سبك دولتی را هم به چنك آورده و در خانه‌های‌شخصی و یا در دهات اطراف شهر پنهان نموده اند بنابر این تلگراف نامبرده عاری از حقیقت میباشد .

ی

مجلس شوری

بازمانده از شماره پیش

(دنباله نطق آقای طباطبائی)

بنده وارد قسمت درآمدها نمیشوم ، زیرا اگر مردم داشتند میدادند و دولت هم خرج خود آنها میکرد وازبین نمیرفت، ایکاش دولت قوی شده ، مردم بیشتر داشته‌باشند بگیرد و صرف ملت کند، این خیلی مورد نگرانی نیست ، اگر بتوانیم نگهداری کنیم بنفع مردم است. البته‌آنچه‌که باید در این باره از دولت خواهش و تقاضا کرد اینست که در وصول و ایصال مالیاتها دقت شود که مأمورین از تعدی و اجحاف خود داری نموده رعایت حال مردم را بکنند و هرچه ممکن‌است دولت این پولهائی را که‌ازمردم بدبخت و بیچاره میگیرد مثل سابق بهدر ندهد، اینست که بنده بیش ازاین در باره درآمد عرضی نمیکنم اما ارقام خرجی که در این‌لایحه است، باید توجه کنیم بهبینیم تاچه اندازه و چقدر ضروری یا غیر لازم هستند!

اولین‌قلم‌خرجی که ما در اینجا می‌بینیم بودجه‌وزارت دربار است که مبلغ آن ۵میلیون میباشد . خــوب حالا موقعیست که بنده عرض کنم دربار باید همه چیز خودش را ،روبــه ، تشکیلات ، اقدام ، عمل ، ترتیب کار ، سازمان خودش را با مصالح و مقتضیات امروزی کشور تطبیق دهد. رفتاری‌نماید که بوسیله آن بمردم نشان‌دهد، دربار دربار سابق نیست.

درباری که شصت‌وچند میلیون ، مال مردم، دراختیار داشت وپشت سرهم عطیه میکــرد، اصلا پول میخواهد چکند ؟

شماوضع مملکت، پریشانی مردم بیچاره را در نظر بیاورید . به‌بینید با این وضع بهتر نیست دربار ازیکسال بودجه‌اش صرفنظر کند!...

بنده دیروز در روزنامه ها خبری دیدم کــه نوشته بود دریکی از ممالك بعنوان کمك ببودجه کشور تمام مستخدمین ازسه هفته تا یکماه‌ازحقوقشان صرفنظر کرده اند ـ این چندان‌مهم نیست در تمام دنیــا درمواقع‌سخت و مشکل ملل مختلفه بوسیله محرومیتها و فدا کاری ها کمکهائی بدولت‌میکنند ، حالا هم خوبست دربار در این کار پیشقدم شود و بوضعیت‌سختی و گرفتاری فعلی کشور از این رو کمکی بکند.

قلم چهارم بودجه اداره انتشارات و تبلیغات است‌که بنده‌اینجا چندین مرتبه بدولت عرض کردم که‌این اداره هیچ معنی ندارد‌، جز اینکه در حدود ۸۰۰ هزار تومان بودجه مملکت ازبین برود یعنی بگیرد وخرج کند.

اصولا اداره انتشارات و تبلیغات دو کار دارد:یکی رادیو ودیگری آژانس پارس

رادیو سابقاً ضمیمه وزارت پست و تلگراف بود ، خیلی خوب اداره میشد ، بودجه مخصوصی هم نداشت

ادارهٔ آژانس پارس هم ضمیمهٔ وزارت امور خارجه بود، پنج شش‌نفری‌هم‌از اعضاء آن وزارت‌خانه‌دراین قسمت کار میکردند. بعداً که فکر تأسیس این اداره‌ایجاد شد، یعنی در نتیجه همان ابتلای دماغی میخواستند بزرك نشان بدهند، آمدند جایش را بزرك کردند بودجه بزرگی هم برایش در نظر گرفتند ودکتر صدیق‌هم رئیـس شد.

یکی‌از شاهکارهای‌اداره‌انتشارات و تبلیغات‌سانسور روزنامه ها بود ، که هرچه ما مینوشتیم بایستی میرفت به ادارهٔراهنمائی نامه‌نگاری؛ درآنجامطابق‌میلشان کم‌وزیاد میکردند . غیر از این دو دایرهٔ انتشارات و تبلیغات چیز دیگری ندارد

حالا اداره‌انتشارات و تبلیغات یك اداره رادیودارد که ما از آن استفاده کرده و گوش میکنیم ، که میشود ضمیمه پست و تلگراف کرد و یك اداره آژانس پارس که آنرا هم مانند اول میتوان بوزارت‌امور خارجه‌سپرد بنا‌براین برای‌این دو اداره هیچ موضوعی ندارد که‌چنین بودجه سنگینی را بکشور تحمیل کنیم.

اما وزارت جنك ... بنده بودجه سال‌گذشته وزارت جنك یادم‌نبود، الان برسیدم دیدم که بودجه امسال ۷۰ میلیون یعنی ۱۱ میلیون بیش از بودجه سال گذشته‌است در صورتیکه شما مراجعه بافکار عمومی بکنید ، می بینید همه معتقدند که‌این وزارت‌خانه باید ازبین برود(نمایندگان هیچ همچنین چیزی نیست.. هیاهوی زیاد)

وزارت جنگی که ۱۵ یا ۲۰ سال است کسی از آن‌سر در نیاورده وزارت جنگی که اصلا حسابش معلوم نیست، بچه‌درد میخورد!؟. من نمی گویم وزارت جنك‌اصلا لازم نیست،وزارت جنگی که با مصلحت مملکت‌ومطابق افکار و آمال عمومی تاسیس شود، وزارت جنگی که از آنجا هیچ نغمه مخالفی بلند نشود . . باید تأسیس شود (نمایندگان احسنت) وزارت جنگی که وزیــر جنگش در مقابل نخست وزیــر و مجلس مسئول بــاشد ، وزارت جنگی که ورقه من وشما وزیرش را بیاورد وببرد (صحیح است همینطور هم هست)

پارسال‌دو میلیون لیره‌برای‌مصارف‌ارتش خرج شد (آقای انوار ــ بردند وخوردند) لقلقهٔ لسان کردند و هی گفتند ارتش... ارتش... ببینید‌مردم‌ازدست اینهاچه‌می کشند؟! اینها که گفته شد و گفتند مملکت چند صدسال جلورفت لقلقه زبانست؛ در خارج دیدید چه شد و درباره اش چه گفتند چه جلورفتنی ؟ ! مملکت را به پرتگاهــی انداختند که‌لکه ننك آن تاچندین سال‌دیگر پاك‌نمیشود . (آقای صفوی ــ همه‌اینطور نیستند واین عقیده شخصی بوده) هروقت مابا شخص کار داشتیم شماهم بفرمائیدهمه اینطور نیستند ، من باشخص کاری ندارم من‌همیشه‌بنتیجه کلی نگاه میکنم همیشه همین جمع کور و کر رادرنظر میگیرم . عرض کنم آقا بدانید شما وجداناً همه مقروض ومسئول هستید وهیچ عذر و بهانهٔ شمارا در مقابل توده تبرئه نمیکند (صحیح است) ۷۰ میلیون پول مردم را بیك نشستن وبلند شدن ندهید (صحیح است)

تفصیل مفصیلی نیست،این‌بودجه است باید بررسی شود،آنها همه را خوردند ورفتند .

عرض کنم که مسئله وزارت جنك یك نکته حساس ودقیق ودرعین حال‌مؤثردر اوضاع کنونی مملکت‌است‌از نظرآینده ماهرفکروتصمیمی که‌داریم‌ازهمینجاشروع‌بکنیم من باآقاموافقم که وزارت جنك لازم‌است ووجودارتش در مملکت امری حتمی است ولــی وزارت جنگی که قانونی باشد وشماهم بتوانید در امور آن رسیدگی کنید ۱۵ سال بود که ما دست روی اقلام بودجه نمیگذاشتیم (آقای انوار،اصلاجرئت نداشتیم) شماهیچ عذری‌ندارید ودردنیا وآخرت مسئول هستید . این بودجه کمر مملکت را خم کرد !

این‌اوضاع‌بدتراز سابق‌است. آزادی شده! چه‌آزادی! آزادی چی!؟ سابق‌فقط یکدفتر مخصوص‌بود‌حالا یکدفتر نظامی‌درست‌وعلاوه‌شده‌مقام واحترام‌شخص شاه خیلی‌بالا ترازاینهاست. توجه‌بفرمائید، شخص شاه‌هیچ‌مسئول‌نیست‌بنا بر این هم در هیچ کاری نباید دخالت کنــد البته بنده خیلی نکات را رعایت میکنم وفقط اشاره کرده میگذرم مگذارید بیشتر بگویم وپرده از روی کار بردارم بنده رعایت اخیلی چیزها را میکنم .

ادارهٔ شهربانی ۹۰ میلیون بودجه دارد ، از هر پیر زنی که بپرسید خواهد گفت یکی از مؤثر ترین عوامل بدبختی ونکبت و ادبار ایران شهربانیست (صحیح است) البته نه این شهربانی مقصودم شهربانی قبل از شهریور است ، آن شهربانی خونناك خونخوار که همه چیز را سلب کرد حتی غرور ملی را ازبین برد ، البته‌حالا‌اداره شهربانی وضع وترتیبش مورد نگرانی نیست خوب کار میکندولی‌بودجه اش زیاداست کجاخرج‌خواهدشد؛ دراین چندساله‌حساب‌شهربانی‌را کسی ندید درصورتیکه‌شهربانی جزووزارت کشوراست‌ولی‌میدانید که‌وزارت کشوردراین چندساله‌هیچ‌نوع‌دخالت‌یارسیدگی‌بکارهای‌شهربانی‌نمیکرد شهر تهران‌را ملاحظه‌بفرمائید بودجه ای که‌گرفته میشد فقط صرف جاسوسی وادارهٔ سیاسی و سایر کارها میشد که خانواده ها ومردمان بیچاره را بدبخت ودربدر میکرد. وقتی‌بکوچه باخیابان میآمدید یك پاسبان نمیدید یك پاسبان؛ ولی پلیس جاسوس درجیب متهم‌بود. خواستم این نکته را بآقای نخست وزیر عرض کنم؛ با اصلاحی که درشهربانی شده معهذا نیازمند توجه واصلاح بیشتریست.اما امنیه ــ همین حالا خدمت آقایان عرض کنم بنده دراین باب مطالعه کرده‌ام ، امنیهٔ که میفرستند سر قله دماوند بــا ماهی شش تومــان ؛ چه میشود از ایــن انتظارداشت جزدزدی‌راهزنی. فقط اینهارا باید انتظــار داشت (یکی از نمایندگان حالا اینطور نیست) من کاری ندارم که حالا اینطورهست‌یانیست آنچه تلگراف از نقاط مختلفه در این خصوص رسیده تأسف آوراست بایدامنیه را منظم کرد، بهبر کرد وازآن امنیت‌مملکت را خواست واگر شما اینکار را بکنید هیچ عیب ونقصی ندارد ، بالاخره امنیه‌برادر ماست اهل همین مملکت است البته اگر صاحب منصب درست و تحصیل کرده بگذارید بالای سرش درست میشود .

یکی دیگر دراین لایحه خرجیست که برای مجلس سرباز گیری در نظر گرفته شده،در این باره صحبت شد قرار بر این شد که قانون سربازگیری را اصلاح کرده بمجلس آورده‌تصویب‌شود؛ پس از آن. دوست روزنامه ها را بخوانید وضع سرباز گیری را بنظر بیاوریداوضاع سربازگیری باشد خود رسیده است .

اما وزارت‌بهداری، آقای حکمت آن روزی که برگرام دولت در مجلس مطرح بود ایشان یك بیان‌جامع فلسفی درباره بهداری وبرنامه دولت کردند که واقعاخیلی مؤثر وخوب بو؛ بنده هم از بیان ایشان استفاده نموده و میگوییم‌اول‌باید تربیت‌افرادمملکت‌درست‌شود؛ باید کاری کرد که افراد مملکت برای صحت خود شان قیمت قائل شوند وخودشان از سلامتی وبهداشتشان مواظبت نمایند درجه دوم بایدکاری کنیم که‌ناخوشی پیدا نشوددرصورت پیدایش شما سه برابر این بودجه بهداری بدهید مریض خانه ۵۰۰ تختخوابی هزار تختخوابی درست کنید فایده ندارد این مردمی که‌مشاهده میکنید اینطور علیل‌وپژمرده هستند برای اینست ۰ در آبی که میخورند هر کاری میکنند (صحیح است)

اول‌تربیتشان‌رادرست کنید‌بعد؛ کاری کنید که‌آب‌دست نخورد والا بادرست کردن و منحل کــردن یا ادارهٔ را وزارتخانه کردن علاج نمیشود .

آقای حکمت در وزارت کشور بخوبی مشغول کار بودند؛ ازوزارت داخله رفتند بوزارت پیشه وهنر یکمرتبه نفهمیدم چطور شد مدتی در منزل نشستند وزیر بهداری شدند این پیداست که ما از کفایت اشخاص نمیخواهیــم استفاده کنیم میخواهیم پول مردم بیچاره را باین ترتیب گرفته واقلام درشتی درست کرده خرج کنیم !

وزارت دادگستری : من با بودجه این وزارتخانه مخالفتی ندارم و ایکاش همه بودجه را بدین وزارتخانه میدادیم تا بداد مردم برسد. بودجه فعلیش نیز زیاد است و برای وضعیت فعلی کشور بار سنگینیٌ است ومیتواند آقای وزیر دادگستری خیلی بیشتر از این به تشکیلات آنوزارتخانه رسیدگی کرده وبودجه اش را قدری پائین بیاورند . عده اشخاصی که ما در آنجا می بینیم لاتحد ولا تحصی هستند که هیچ استحقاق قضائی هم ندارند . خوب سابق چه میکردند و چه بود کاری ندارم ، اداره مدعی‌العمومی شعبهٔ بی‌ارادهٔ بود شبیه نظمیه هرچه نظمیه میخواست‌مطابق‌میلش وفتارمیکرد ، بعداز این‌امیدواریم اینطور نشود ، باید کاری کرد که از کمیت صرفنظر شود و بنفع عامه مردم اقداماتی کرد و از اقلام چشم بپوشیم ، امیدوار هستم خیلی ازمصالح مملکت بااینطریق اصلاح شود .

من در اینجا تذکرات و یادداشتهای پراکندهٔ دارم راجع به کارخانه ذوب‌آهن ومخارج عجیب وحیرت‌آوری که در باره آن شده ، بنده نمیدانم کدام آهنها را ذوب میکنند ..... یکنفر آدم‌عاقل‌وحسابی بیاورید رسیدگی کند به بیند تا حال چه شده !؟..

بنده در سه چهار جا یادداشتهائی در باره وزارت داخله ، خارجه ، اوقاف کرده ام ... شما هرجا تشریف ببرید می بینید کاری که بادو نفر انجام میشد چندین نفر جمع شده و بدست گرفته اند .

شما نمیدانید، دریك اطاق بیست‌نفرجمع شده اند که اصولا حرف‌وسئوال‌ازیکدیگر نمیکنند ،بایدروی کاغذ بنویسند ونمره بزنند در دفتر وارد کنند ... هرکه تردید دارد برود به بیند .

این همان عرضی بود که کردم ماشاءالله تشکیلات بقدری زیاد شده ومیشود که ازاغلب ممالك معظمه اگر جلوترنباشیم عقب‌تر نیستیم .

تقریباً سه یاچهار سال قبل بود که روزنامهٔ ازخارجه رسید ودرآن مقالهٔ بود که بنده ترجمه کردم مطلبش این بود که وجود زنها دراداراات لازم نیست ، ودراثر تجربه تصمیم گرفته بودند که زنها را بیرون کنند و قیودی‌هم برای اشخاص مجرد در نظر گرفته بودند تا ازدواج کنند و اینکار را عملی کرده بودند .

بنده‌بااینکه‌میدانستم درآن روزها بااین‌فکر موافقت نمیشدمعهذاترجمه کرده‌به‌سانسور‌فرستادم... تلفن کردند که اصولا از شخصی چون شما تعجب داریم که اساساً باین مقاله توجه کرده اید ، در آنموقع بابردن خانمهابادارات... میخواستند وسیلهٔ تشویق و رفع حجاب را فراهم کنند یکی از جاهائی که میشود صرفه جوئی کرد و بتهذیب اخلاق عمومی پرداخت همین قسمت است .

ازشهرداری پرسیدم چند ماشین دارید؟ دیدم ۱۷ دستگاه ماشین تحریر دارند و شاید ۱۰ برابر ماشینها ماشین نویس ، آخر برای چه ؟ (یکی از نمایندگان ــ شاید ماشین نویس مریض شود) بله مریض ! .. درهمین بلدیه با این وضع اسف انگیز که نتیجه کار های سابق است پول مردم را میگرفتند قصر مرمر میساختند ، بقول آقای دشتی سر کوه دماوند مهمانخانه میساختند ! .. حالا که آزادیست و میشود اینها را گفت ، شهرداری با این بودجه چهارهزارعضو دارد ، مگر ما حساب نمیدانیم این پول را بچهار هزار نفر تقسیم کنید به بینید چه میشود ؟ هیچ ! ..

برای همین است که ۳ ملیون قرض دارد ، برای این بود که بودجه اش را همین پاکروانها از بین‌میبردند جائی که باید برای شاه سابق در حدود صد هزار تومان خرج شود تا ساخته‌گردد ، اینها میآمدند پنج هزارتومان برآورد میکردند . بنده شنیدم وزارت دارائی ۱۷هزار نفر عضودارد ! .. (آقای‌امیر تیمور کلالی‌ــ‌شایدهم بیشتر) آخر اینقدرهم عضومیشود ؛ خوب این‌وزارت‌دارائیست، شماکشاورزی را ببینید . خانم درکشاورزی چه میکند ، اینجا جای دهقان است ، جای تخم و بذر است (خنده نمایندگان) . در یکی از شهرهای نزدیك که مبتلای خشکی و بی‌آبی بود اهالیش تلگرافی کردند که از هفت فرسخی آب‌بیاورندخود این آقای وزیر گفتند نمیتوانیمو مراسله مرادرمدت یکماه هم‌جواب ندادند ؛ .. آقای‌انوار هم آمدند اینجا و گفتند آقای وزیر کشاورزی عالیمقام است و عالیجاه‌است و فلان و فلان .. ایشان ممکن‌است مرد دانشمندی باشندولی‌دلیل‌نیست که‌در کادر‌سیاسی‌دولت داخل شوند ، اصلا فلسفه تشکیل این اداره چه بود؛ شاه سابق تعداد ۵۰۰ یا ۶۰۰ پارچه ملك مردم را گرفته بود و میخواست‌اداره کندامانه از جیب خودش، بنا براین یك اداره برای این کار درست میکنداز پول مردم؛ و منتش را هم سر مردم میگذارد ، آنوقت این اداره باید تمام مخارج املاك شاه‌را بدهد و نگوید که اداره میدهد بگوید از دفتر مخصوص میدهند ، این تهمت نیست‌بروید نگاه کنید ، فلسفه تأسیس کشاورزی‌همین است وبس ...

اگر درشهریور یك رئیس دولت مصلحی پیدا میشد میبایست اول کاری که‌میکند این باشد که در این‌اداره را به بندد ، آنوقت که این اداره نبود نان منی یکقران بود ، حالا ، با این‌سیلو واین دستگاه بروید به ببینید‌یك سیر گندم در تهش نیست .

اینها خیانت‌است‌اینهــا جنایت است پول‌رعیت‌بدبخت را بگیرید‌این اداره را درست کنید !؟ این مال چقدرمرد و زن‌است؛ بازهم‌بودجه گذاشتید ... آخر ۱۳۲۰ استبداد با ۱۳۲۱ آزادی چه فرقی کرد !؟.. آخر چه تغییری نموده اگر میرفتید‌تحقیق میکردید میپر سیدید ، میرسید ،میدیدید چه‌خبراست‌آقای وزیر معارف ازنقطهٔ‌نظر‌اخلاق‌هم‌شده اینهارابیرون کنید‌اینهمه‌مرداینهمه‌زن‌راجمع کرده‌ایدتازه‌چه کاری میکنید .کسی میگفت دختر من چند رو ز ا ست بی‌تکلیف مانده ،دستور امتحان نداده اند با وز یر هم صحبت کرده‌نتیجه‌نداده، بروید وضع مدارس‌رابیبنید‌چقدر تأسف‌آور و خراب است شما میخواهید دبستان د رست کنید زمین مردم را چرا میگیر ید الان یك مرا سله در این خصوص تقدیم کردم ، وزارت معارف چرا باید خانهٔ مردم راغصب کند این معارف‌نشد بروید بحساب‌وزارت جنك ووزارت‌راه برسید تابیبنیم لیره‌هائیکه بحساب نفت جنوب‌هر سال اندوخته‌میکردند چه شده !.. در وزارتخانه هاتقریباً ۴۵۰ الی ۵۰۰ ماشین سوا ر ی سیستم ۴۱ هست اینها برا ی چیست ، منکه عقلم نمی ر سد . اینها مخارج نگهداریش درحدود شاید دومیلیون است،هر رئیس اداره که بحمام میرود یا خانمش ببازار برای خرید میرود سوار اینها میشود؛ آن شوفرش باندازه من شاید قدری کمتر حقوق‌میگیرد، دلش که نسوخته هرماه‌صورت حسابی جلو آقا میگذارد که فلان پیچ شکسته بود با این ترتیب ماهیانه چقدر بدولت ضرر میرساند اصلاشما سرعت اینها را در نظر بگیرید اینقدر تند میروند که میخواهند اتوبوس مردو‌زن همه را زیربگیرند‌آخر کجا؛ چکارداری؟ بااین عجله کجا میروی ؟ (یکی از نمایندگان‌دفتر اعضا) آقا دروغ است چه دفتری؛ چه اعضائی؛ دفتر برای عضو بیست وپنج تومانیست برای عضو بیچاره ۳۰ تومانی است بروید نگاه کنید بدفاتر برسید همه دروغ است اعضاءبالا تر هزار کار میکنند درهمان ادارهٔ که نشسته اند تجارت میکنند از سه‌جا حقوق میگیرند ببینید چه درهای عجیبی برای خود باز کرده‌اند ! پول بیحسابی از مردم گرفته و خرج میشود شما همین مجلس خود مان را نگاه کنید ! (خنده نمایندگان) دار العجزه‌است تنبل خانه است چند عضو رتبه ۹ و ۱۰ داریم ، مارتبه ۹ میخواهیم چکنیم؟ این باآن کار دارد کاغذ میدهد حرف نمیزند با پرونده صحبت میکنند بنده میخواستم کنتر برق منزل را از کوچه آسید هاشم بکوچه حمام وزیر ببرم بعد ازمدت ها معطلی دیدم مراسله ۷ مهر اندیکا تور خورده! بآقای دکتر طاهری نشان دادم شما خیانت نکنید واگر بخواهید میتوانید سازمان را درست کنید‌اشکال داخلی و خارجی در بین‌نیست (آقای امیرتیمور کلالی؛ هیچ)

وزارت پیشه وهنر؛ آقای گلشائیان آمدشروع کرد بسازمان دادن، وقتی رفت سازمان هم رفت (آقای هژیر نرفت) خیلی‌خوب نرفت نتیجه چه شد ، وزارت بازرگانی یعنی چه ؟ ! اصلا با این وضعیت کدام در بروی شما باز است کدام پیشه وهنر (اشاره بآقای هژیر وزیر پیشه و هنر) اصلا شما چه هنری‌دارید !؟ (خنده شدیدنمایندگان) (یکی ازنمایندگان، ذوب آهن) بله جواب دادن آسان است ولی این جواب یك پاپاسی ارزش ندارد .

موقع رفتن شاه سابق آقای فروغی آمدند و گفتند در خارج‌چیزی ندارد چرا ندارد : پس چهار صد میلیون لیره چه شد ؟ اصلا فرض ۴۰۰ میلیون راهم نمیشود‌کرد. یکی گفت باچوب نخورده ای باحساب سرت نمیشه ۴۰۰ میلیون تصورش‌را هم نمیشود کرد. یعنی آقای فروغی‌می گفتند یك لیره هم خارج نکرده ! یك تاجر مردنی که بیرون میرود چندجا پول برای خودش امانت میگذارد. آقای وزیر دادگستری هم مطلعند در ۱۵ سال‌پیش تاجر محترمی فوت نمود پس از رسیدگی معلوم شد در سه بانك خارجی پول داشته یعنی میتوان گفت شاه سابق هیچ‌نداشت ونبرده !؟ بیاوریدش ببینیم‌چه کرده؛ اینهابرای روزبدبختی مابود آخر آقا در هر موضوعی میشود صحبت کرد اگر دو ماه دیگر عواید وصول نشد و پول نرسید چه میشود کرد ! !

بروید هر کجا هست بیاورید بحسابش برسید . . . اصولا بحساب مردم از ۱۳۰۰ ببعد رسیدگی نمائید، بحساب همه برسید هرچی گندم منده هست بکارشان رسیدگی کنید ، کسی در ۱۳۰۰ بنا بوده حالا برای خودش ۵ ملیون ثروت دارد ، بسیر و جریان زندگیش برسید ، ایــن کار که عیب نیست، مشکل‌نیست، این وظیفه عادی یك پاسبان است که بهر کسی سوء ظن داشت میتواند از اوسؤالاتی بکند (آقای‌طوسی، طرح قانونیش هم در دست تهیه‌است

گزارش کشور

آرامش و ایمنی در تبریز

از تبریز این‌دو روزه خبر های خوشی میرسد . چنانکه مینویسند امنیت در شهر و دربیرامونها برقرار گردیده . حمل اسلحه در شهر قدغن شده و کردها و یا کسان دیگری که با اسلحه درشهر می گردیدند ومایه بیم و نگرانی مردم بودند پس ازآگهی استانداری‌راجع بممنوع‌بودن اسلحه رفتار خود را تغییر داده اند . چند روز پیش چند نفر کرد از یك گاراژی باکامیون اسلحه حمل‌کرده ومیخواسته اند نهانی‌ببرند که پاسبانان‌آگاهی یافته و سروقت آن شتافته وهمه را گرفتار کرده اند .از آقای فهیمی استاندار وازآقای پاسیار ۱ سیف‌خشنودی و سپاسگزاری بسیار مینویسند.

یکخبر شادی آور دیگر اینست که چه درشهر و وچه در بیرونها از دسته بندی های ماجراجویانه که سرچشمه شراوت و نا امنی آنها بودند جلوگرفته شده و یکمشت فرومایگانی که در چنین هنگامی فرصت‌یافته و بخودنمایهایی می پرداختند از میان برخاسته اند .

در نامه های دیگری از کوششهای جانفشانانه‌آقای سرهنك هاشمی رئیس امنیه‌آذربایجان ستایش وخشنودی می نویسند . از هرباره‌وسایل امیدواری در آذربایجان فراهم‌می گردد و چنانکه‌شنیده‌میشودبسیاری ازخاندانهایی کهاخیرا بتهران‌آمده بودند دراندیشه بازگشت‌می باشند.

ریاست دانشگاه‌های ادبیات و علوم

آقای دکتر صدیق اعلم وزیر سابق فرهنك‌بریاست دانشکده علوم وآقای تدین وزیر سابق فرهنك بریاست دانشکده ادبیات انتخاب گردیده‌اند.

فرماندار زابل

آقای‌محمدهادی‌بسمت فرماندارزابل‌انتخاب‌شده اند .

تقدیم استوارنامه

آقای رولف اوتوشید واد وزیر مختار دولت نروژ در مسکو که درضمن سمت وزیرمختاری‌آن دولت رادر ایران دارند چند روزپیش واردتهران شده و بــا آقای نخست وزیر ملاقاتی‌نموده اند وبزودی استوارنامه‌خودرا تقدیم پیشگاه ملوکانــه‌خواهند نمود .

شلیك تیر درلاله‌زار

دردو شماره قبل شرحی باین عنوان نوشته بودیم چون درآن روز ازاصل آگاهی کامل نداشتیم ودیدیم در اطراف این موضوع هیاهو بلند شده در پائین خبر آوردیم که درآتیه شرح‌بیشتری دراطراف‌این موضوع میآوریم .

شب گذشته برای تحقیق این موضوع به‌بیمارستان شمارهٔ ۲ ارتش رفتم وباسرباز نامبرده ملاقاتی شد که در اینجا نتیجه آنرا میآوریم .

این بنده سید ولی پسر سید علی اهل تبریز مدت پنج سال است درارتش بطور داو طلب خدمت نموده و اکنون درزرادخانه ارتش گروهبان میباشم عصرروزی که این اتفاق افتاد از اداره برای عوض کردن لباس به منزل رفتم پس از آن از منزل خارج شده برای رفتن بدکان عمویم (آقا میر مطلب میرنقبان) واقع در چهار راه کنت پیاده از خیابان لاله زار بسالا میرفتم نزدیك سینمای ایران سرهنگی مرا صدا زده پرسید چرا در لاله زار قدم میزنی عرض کردم بدکان عمویم میرفتم گفتند مگر نمیدانی اینجا برای سرباز قدغن است عرض کردم خیر بنده تازه امشب آمده ام وخبر نداشتم گفتند بیفت جلو من ازجلو بفاصله قریب ده قدم میرفتم و ایشان پشت سر من می آمدند من پس از رفتن چند قدم پشت سرم را نگاه کردم دیدم بایك افسر ایستاده مشغول‌صحبت هستند از موقعیت استفاده کرده داخل کوچه شده رفتم (بطور وضوح شرح نداد) ازپشت سر گویا ایستادادند ومن رفتم ناگهان صدای تیر بلند شد ودیگر نفهمیدم .

وضعیت مزاجی گروهبان نامبرده بهیچوجه خطر ناك نیست وفقط یك تیر بنزدیك قوزك پایش اصابت و مختصر مجروح شده وقضیه ازاین لحاظ قابل اهمیت‌نیست

تامین اشرار

کرمانشاه ـ سه روز قبل آقای استاندار باتفاق دو نفر افسر اوشد برای مذاکره باکریم پسر جعفر سلطان و یك زاده های جوانرودی واورامانی به پاوه و نوسود رفته بودند دیروز عصر مراجعت و از قرار معلوم‌خوانین مزبور را بمراحم دولت امیدوار و عزیز برادر کریم را نیز باخود بشهر آورده اند.

جمع آوری مشمولین وظیفه

نهاوند ـــ مامورین نظام وظیفه مشغول جمع آوری مشمولین سنواتی تا ۳۰۰ شده‌اند که بسنندج اعــزام دارند .

رفع نگرانی

سبزوار ـ دکتر پیروزرئیس‌بهداری کمدت کنتراتش منقضی‌وحاضر برای‌خدمت در سبزوار نبودبنابرخواست فرماندار و اهالی بادامه خدمت در این محل موافقت‌رفع نگرانی اهالی گردید.

تشکیل شورای اداری

اراك ـ عصر ۲۴ فــروردین شورای اداری در فرمانداری تشکیل موضوع‌بهاره کاری‌با اقدامات‌مجدانه آقای‌فرماندار و بخشداران و مامورین کشاورزی‌باکمال سرعت پیش رفت تاآخر فروردین بقیه قسمت کشت‌ذرت شهر و دهستانها نیز به پایان خواهــد رسید کشت بهاره این‌شهرستان فوق‌العاده باسرعت‌انجام گرفته است‌وموجب امیدواری و خوشوقتی مالکین وکلیه کشاورزان بویژه کسك بذری که‌بمالکین بی بضاعت شده است روز ۲۴ جاری در دهستان های اطراف اراك و صبح ۲۵ در شهرستان اراك بارندگی نافع شده هوا ابر و مستعد بارندگی است.

مقتول شدن دزد

خرم آباد ـ برابرخبر رسیده دیشب دربخش وبسیان ٤ نفر دزد که برای سرقت گوسفند مشغول دست برد بوده‌اند پاسگاه امنیه ملتفت شده ودر صدد جلو گیری بر می‌آیند ضمن زدو خورد یکنفر از سارقین مقتول وبقیه فرار مینمایند.

تلگراف از اردبیل

ریاست‌معظم‌ستاد ارتش رونوشت جناب‌اشرف‌وزیر جنك رونوشت روزنامه پرچم رونوشت اطلاعات محترما معروض میدارد ستوان یکم حجت امیر فتحی که ازطرف جنــاب سرهنك فرماندهی‌نیروی اردبیل مأمور خلع‌سلاح محال و طایفه تکیه و دورسون خواجه‌لو میباشد بابیانات اهالی را تحریك و تشویق بشاه پرستی و میهن دوستی نموده و امیدوار بمراحم و توجهات اعلیحضر ت همایون شاهنشاهی مینماید درنتیجه لیاقت و کاردانی فرماندهی‌نیرو میباشد که مامورین خلع سلاح آن نیز رفتار شایسته و مهربـانی نموده و عموم را بآتیه امیدوار میدارند .

مسئول‌طایفه تکیه‌داداش‌تکلوی‌محول طایفه‌دورسون خواجه‌لوقاسم‌نجفی‌مسئول طایفه دورسون‌خواجه‌لوقره‌داش خسروی کدخدای‌شاهین‌اسلام‌پناهی کدخدای پیرنی حسین قلی خواجوی کد خدای الواری علی اسلامی کد خدای کلاسر خداقلی خدائی .

قیمت را بالا برید و نه صفحه ها را کم گردانید . ولی اگر مجبوریتی بود بنظر ما چند نفر کم کردن صفحه‌بهتر از بالا رفتن قیمت است . زیرا دوست می‌داریم پرچم‌در دسترس طبقه‌بی‌بضاعت باشدو آنها ازمطالب این‌بهره‌مند توانند گردید .

یکی از هواداران پرچم

پرچم : در این باره ما هنوز تصمیمی نگرفته ایم ولی باید تا چند روز دیگر یك تصمیمی گرفته شود و در آنحال در روزنامه آگاهی خواهیم داد

نگارش شارل‌سن‌موریس

ترجمه بانومیرزاده نظیفی
دبیر دانشسرای دختران

کشف امریکا

بخش ششم ازقسمت‌یکم

شکست‌وپیروزی

در اطراف کلمب ، وفادارانی مانند برادرش بارتلمی ، و دیگران بودند ، که کلمب با اتکاء بشمشیر و مردانگی آنها ، بخوبی میتوانست در مقابل این حکم جابرانه قیام نماید ، وسرفرو نیاورد ولی او اسیر پیمانی بود ، که بافرد نیاند و ایزابل بسته ، و عهد نموده بود ، که حتی ، اگر گرفتار رفتار غیرمنصفانهٔ هم شود ، باز مطیع باشد ؛ و از اینرو بود که گرفتار بیدادگری و ستمکاری بوادیا گردید ، و باین مشقات سر فرود آورد ؛ وبظلمی که هیچکس زیر بارش نمیرفت ، تن درداد .

بنا براین کلمب اطاعت کرد ، بدون شك و تردید ، بدون بیم و ترس ، عازم سنت دومینگ شد .

او میرود ، اوبدنبال سرنوشتش میرود ، او بجائی میرود که باید محاکمه شود ، بجائی میرود که درآنجا متحمل رای غیر منصفانه محکمه خواهد شد . . . .

او میآید ، اودرخواست مینماید جلو بوادیا حاضر شود ، بااو ملاقات نماید ، ولی بوادیا حاضرنمیشود ، نمیخواهد اورا به بیند ، بحرفهایش گوش دهد ، به حالش توجه کند ، فریاد میزند : « زنجیرش کنید ، هرچه‌زود تر «به زندانش ببرید» این فرمان وحشیانه ، بسرعت اجرا میشود ؛ کلمب را زنجیر میکنند ، بکنار یك کشتی میبرند ...

چگونه میتوان ، این منظره را دید و متأثر نشد ؟ . ـ چگونه میتوان مشاهده نمود ؛ بزرگمردی چون کلمب را ، مانندجانی پستی ، زنجیر کرده بزندان میبرند ؟ ... آیا این صحنه را بدون رقت و خشم‌میتوان‌دید؟...

آیا میدانید ، این شخص بزرك ، درکجا متحمل اینهمه تحقیرات و شکنجه ها میشود ؟

آری ، روی سرزمینی که خود کشف نموده ، در مقابل خانهٔ شخصیش درجائی که ، دیدگانی که او را مسخره مینمودند وباو توهین میکردند ، زیردستان و نمك پروردگانش بودند و چند مدت پیش ، اطاعت واحترامش میکردند . آری ، در مقابل مرد روسیاهی ، که پس از تملك ، دارائی ، ثروت ، هست و نیستش ، ادعا دارد ، آرزو دارد ، که افتخارات و مقام اورا نیز احراز کند .

اورا از منزلش بیرون میکند ، حتی اورا لایق نمیداند که بوی اجازه دهد ، مدت کوتاهی خانه اش را نگاه کند ؛ باوجود بیگناهیش امر به زنجیر کردنش میدهد ، از مملکتی که بقیمت حیاتش کشف شده ، در حالیکه ، هزاران بار فداکاری ، جرأت ، تهور ، بزرك منشی ، درراه آن نشان داده ، وهیچگاه بنفع شخصی قدمی برنداشته ، اورا باخفت و خواری بیرون میکنند ! ....

ولی ، چگونه بی گناهیش با آرامشی شجاعانه ، آمیخته بهم ، هویدا و آشکار بود ! چگونه در آن صورتی که ، متحمل اینهمه‌رنج ، بدبختی ، خفت وخواری شده‌بود ، بی تقصیری چون نوری میدرخشید ! ... اوبازوهای خود را بزودی تسلیم زنجیرهائی که درآغوشش خواهند گرفت نمود ، بدون اینکه شکایتی کند ، بی آنکه ازاین عملیات ، تعجبی از خویشتن ظاهر سازد ، بی آنکه صدائی‌باعتراض برآورد ، از دنبال سربازانیکه باید اورا‌باسپانی برند ، راه افتاده پیش میرود . .

ولی یك شکنجهٔ دنبال اوست . او بایستی هیاهو ، فحش ، ناسزا ، دشنامهای موهن ، طعنه پست یعنی رفقا و همدستان عزیز ! بوادیا را تحمل نماید .

افسوس که این عمل وحشیانه خشم و غضب بوادیارا فرو ننشاند ، و برای اجرای مقاصد شوم خود ، دوبرادر دیگر کلمب را نیز فدای منظور خود نمود .

دوبرادر دیگر کلمب را هم زنجیر نمودند و هریك را در کشتی مخصوصی جای دادند . میخواهند ازاین سه برادر یك محاکمه نمایند .

(درست شده)

این کمیسیون ارز چیست ؟ جرا تکلیف مردم‌بیچاره را معین نمیکنید .

آقای امیر تیمور کلالی ـ میگویندارز آزاد می شود .

آقای طباطبائی ـ ارز آزاد می شود ، یعنی کمیسیون ارز از بین میرود پس بودجه اش چیست ؟ . . خلاصه اینست که دولت مقصودش ومنظورش باید صرف کار واجرای منویات مردم باشد . آیا دولت سابق همین کار واکرد ؛ آیا واقعاً وجداناً همینطور بود ؟..

چیزی که درمجلس تصویب شد قانونی است ، خلاف آن‌مخالف قانون است ، کارهائی که بدون تصویب‌مجلس شده ، پولهائی که بی‌تصویب مجلس‌خرج شده ، ماننددزدی و راهزنیست ، این یك نوع سرقت است .

یادتان‌نیست اینجا صحبت از باشگاه شد ، وزیرجنك سابق (سرلشگر نخجوان) آمد پشت تریبون چطور منقبت خواند و بقول‌آقای سید یعقوب میخواست هواپیما بشود ؛ آخر اینها نمی‌فهمند قباحت نمی کنند ، اینها وقیح است ، این چه وضعیست ؟ چه اوضاعیست ؟ چه تشکیلاتی است ؟.. وزیر جنك آنروز آمد دیدید چه‌گفت ؟... آخر این چه وضعیتست ؟... بروید با مردم آشنا شوید تماس پیدا کنید ، به بینید چه اندازه نگرانند ، چقدر بدبخت و پریشانند ، بحال توده فکر کنید (نمایندگان ـ احسنت احسنت) .

آقای اعتبار ـ آقای طباطبائی در باره لایحه بودجه یك سلسله اعتراضاتی نمودند که ...

آقای طباطبائی ـ نه نه اعتراض نبود ، گله کردم پس میگیرم .

آقای اعتبار ـ بهرحال ـ گله‌مندی بود یااعتراض ، کاری‌ندارم آقایان‌درموقع طرح لایحه‌بودجه در کمیسیون ممکن است تشریف آورده وبه بینند تا منجر بفرمایشاتی نشود که خودشان از ایرادش نادم شوند .

آقای طباطبائی ـ آخر چه میگوئید؟ دست‌وپا نکنید ، جواب هم که ندارید ، نادم چیست ؟... نادم چی شدم ؟ جواب ندارید فلسفه نگوئید .

آقای اعتبار ـ آقایان میدانند اگر بنده نظر شخصی داشتم یامیخواستم درموقع ایراد موضوعی‌ناخنك باشخاص بزنم یا عقیده شخصی را ...

آقای طباطبائی ـ بنده هم راجع بشخص صحبت نکردم .

آقای اعتبار ـ شما که نمیگذارید بنده ...

آقای طباطبائی ـ آخر نادم چیست ؟...

آقای اعتبار ـ کمیسیون بودجه در مقابل بودجه واقع شده‌بود که‌با این وضعیت روبه دیگری نمی توانست اتخاذ کند بامقایسه بودجه سال گذشته با امسال می‌بینیم ، با اضافاتیکه درحقوقهایش آمده چه‌اندازه دولت‌صرفه جوئی کرده‌ازنظردرآمدهاهم چون‌دولت باوضع‌فعلی ، وبدبختی وگرفتاری مردم نمیتوانست مالیات را زیاد نماید باوجود این سعی شد که امسال کسر بودجه نداشته باشیم . در مورد وزارت جنك که آقای طباطبائی‌شرحی بیان نمودند باید دانست که ببودجه وزارت جنك تقریباً در حدود ۱۰ میلیون اضافه شده که اگر اضافه حقوقها را در نظر می گرفتیم میدیدیم که درواقع امسال چقدر ازبودجه وزارت جنك کم شده ، در مورد وزارتخانه ها وتشکیلات آنها البته همانطوریکه آقای طباطبائی فرمودند تا اندازهٔ تشکیلات غلط ودر عین حال کارمندان زیاد هستند ولی با وضعیت گرفتاری مردم و بدبختی امروزه نمیشود عدهٔ را بیرون کرده بدبخت و سرگردان نمود (صحیح است) برای صرفه جوئی و تقلیل کار مندان باید همانطوریکه قبلا صحبت شد قانونی بمجلس آمده و قانون استخدام تجدید شود ولی اگر قبل ازتصویب این قانون ما اینکار را بکنیم سعی به بدبختی مشتی مردم شده (صحیح‌است) .

اما اینکه در باره ارتش و عده دیگری صحبت شد ما دراینجا نمیتوانیم چوب بگیریم و همه را برانیم واین قضاوت عادلانهٔ نخواهد بود که همه را بطور کلی بد بدانیم .

آقای طباطبائی ـ شماتصورمیکنید بنده همه‌را گفتم ، چغلی میکنید .

آقای اعتبار ـ نه شما رشید تر از آن هستید که ازچغلی بترسید . بنده معتقدم که برای اینکار مجلس باید قانونی طرح و تصویب نماید و این موافق افکار عمومیست در ترکیه هم اینکار را کرده اند .

اما بطور کلی همه را بایك نظرگرفتن صلاح نیست عده اشخاصی هستند که دولت و ملت آنها را بد شناخته و واقعاً تعقیب خواهد کرد (یکی از نمایندگان ـ پس چرا نمیکنند) .

آقای بدر وزیر دارائی ـ دراینجا دوموضوع است که اگر درآنها درست دقت شود جواب همه بیانات آقای طباطبائی یا آقایان دیگر خود بخود بدست میآید و موضوع هم روشن میشود .

موضوع اول اینست که باید دید دولت در بودجه ۲۱ نسبت به بودجه ۲۰ بطور کلی چه تغییرات اساسی داده است .

از رقم هزینه معلوم میشود که در بودجه امسال در حدود یکهزار وصد و هشتاد وشش میلیون صرفه جوئی شده از طرفی با قانون اضافات حقوق که خود مجلس تصویب نموده مقداری در حدود دویست ملیون بربودجه اضافه شده که در صورت جمع با صرفه جوئی می بینیم تقریباً در بودجه امسال دو هزار ملیون صرفه جوئی شده یعنی تقریباً بودجه سال گذشته نصف شده !

بنده نمیدانم که شما انتظار دارید دولت بیش از اینکاری که در ظرف یکماه کرده و بودجه نصف شده چه اعجازی بکند ؟!..

چنانچه دولت وقت بیشتری برای تهیه وتنظیم بودجه وآوردنش بمجلس داشت ، البته بیش ازاینها صرفه‌جوئی شده بود .

ولی این نکته را نباید فراموش داشت که تعویق تقدیم لایحه بودجه ، بیش از صرفه جوئی‌هائی که ممکن بود بشود بدولت خسارت وارد میکرد (صحیح است) آقایان باید بدانند دولت بیشتر ازهرکسی نظرصرفه‌جوئی دارد (صحیح است) دیگر اینکه در باب کمیسیون ارز وفرمایشات آقای طباطبائی‌لازم‌است‌تذکربدهم دولت ارز را ممکن است‌آزادکند ومصرفش را کنترل بکندبطوری که در بعضی از ممالك هم رسم است‌تامثلا یکی از اهالی کشور نتواند تمام سرمایه اش را‌اخارج کند .

در باب بودجه دربار که آقای طباطبائی فرمودند لازم است عرض کنم که دربار بودجه اش جزو سازمان کشور است وباید منظور شود واین خارج از قاعده‌است که ما برای دربار بودجه منظور نکنیم .

در باره لیره های ذخیره کشور تمام صرف خرید اسلحه شده و صورت دقیقشان موجود است ممکن است عده از آقایان نمایندگان تشریف آورده به‌بینند

راجع ببودجه ارتش و امنیه و وزارت راه و اداره انتشارات وتبلیغات وسازمان ادارات نیز توضیحات‌مفصلی دادند که نظر به نبودن محل در این شماره عین آن را نیاوردیم و در پایان اظهار داشتند که‌بعداز قریب سه‌سال امسال اولین حالیست که بودجه‌کشور کسر نداشته توازن دارد واین موضوع قابل توجهیست .

جلسه ۳۵ دقیقه بعد از ظهر ختم وجلسه آینده‌بروز شنبه۲۹فروردین (فردا) سه‌ساعت قبل ازظهرموکول شد

گزارش جهان

خبرگزاری پارس

مسکو ـ اعلامیه‌اداره‌اطلاعات شوروی چنین‌اشعارمیدارد که شب شانزدهم آوریل در جبهه تغییر مهمی روی‌نداده است واحدهای نیروی ما طی عملیات در یکی ازمناطق جبهه باختر یازده توپ و پنجاه و نه مسلسل و دویست و پنجاه تفنك‌خودکار وسیصد گلوله توپ و شش‌هزار فشنك و سه دستگاه تلگراف بی‌سیم و مقداری دیگر آلات و ادوات جنگی از آلمانیها‌گرفتند یك‌واحد سوار ازنیروی نگهبان شوروی در منطقه‌دیگر جبهه دونقطه پر جمعیت را از آلمانیها بازگرفت دریکی از مناطق جبهـه شمال باختر نیز نیروی ما حملات متقابل دشمن را عقیم گذاشت و هفتصدو پنجاه تن سرباز و افسر آلمانی راکشته‌وزخمی نمود ویك‌نقطه‌پرجمعیت را که آلمانیها درآن‌استحکاماتی بنا کرده بودند اشغال‌کرد.

هیتلریها بیش از یکصد جنازه در میدان جنك باقی گذاشتند طی رزمی‌که در جبهه جنوب در گرفت توپهای ضد هوائی ماروی هم رفته ۳۸۶ هواپیمای آلمانی را سرنگون کردند.

یك تانك آلمانی تا نزدیکی مرکز فرماندهـی یك گردان ازنیروی ما آمد ستوان یکم (سنف) آن تانك را گذاشت تا نزدیك شود سپس بضرب نارنجکهای ضد تانك آنرا نابود کرد.

(ولکف) یکی ازتیراندازان زبردست نیروی مادر ماه مارس بیست سرباز آلمانی را کشته و سه مسلسل دشمن را آسیب رسانید طی دو ماه اخیر یکدسته از جنگجویان غیر نظامی شوروی تحت فرماندهی (د) ضمن عملیات در اراضی اشغال شده دشمن درناحیه (ویتبسك) هنرنمائی‌شایان کردند بااین‌معنی که یك‌پادگان آلمانی‌را بکلی‌نابود کردند‌هشتاد جنازه هیتلری در کوچه هاباقی‌ماند چند روز دیگر همین جنگجویان غیر نظامی‌یك‌انبار آلات و ادوات کارخانه اره کشی را بدست آوردند و هشتاد سرباز وامنیه آلمانی راکه نگهبان آن‌بودند‌کشتند در اواخر ماه‌اوت یکدسته از جنگجویان تحت‌فرماندهی (د) یك دسته دیگر جنگجویان که درناحیه‌مجاورمشغول عملیات بودند‌ملحق‌گردید و این دو دسته پادگان‌آلمان متمرکز در یك نقطه پرجمعیت را از بین بردند وبیش‌از سیصدتن سرباز و افسر هیتلری را کشتند فرماندهی این دسته باعده‌ای بیش‌از یکهزارو‌پانصدتن از اتباع‌شوروی مقیم‌نواحی‌اشغال شده که‌قصد الحاق بارتش‌سرخ‌راداشتند همراهی کرده و آنهارا ازخط جبهه گذرانیدند.

مسکو ـ خبرگزاری شوروی خبر میدهدژنرال گاردال افسر نیروی هوائی شوروی در روزنامه‌ستاره سرخ‌مقاله ای‌راجع بتلفات کارکنان نیروی هوائی‌آلمان انتشار داده طی آن چنین نگاشته است آلمانیها در سال اول جنگ دراروپا درتمام عملیات خویش ازلحاظ‌شماره نسبت بدشمن برتری داشتند و بهمین نظر بود که درتمام جنگهاپیروز گشتند و نسبتا کمترآلات جنگی وهوانورد از دست دادند و چون جنك را با شوروی آغاز کردند بر شماره هوانوردان و کارکنان نیروی هوائی خودش افزود حد اکثر شماره این کارکنان و خلبانان در ماه سپتامبر ۱۹۳۹ به‌ده‌هزارتن میرسید و درآغاز ماه‌ژانویه ۱۴۹۱ این شماره بسیزده هزار تا پانزده هزار تن رسیده بسیاری از کارکنان نیروی هوائی آلمان‌پیش‌از آغاز جنگ تعلیمات و تجربیات دو سال جنك را فرا گرفته بودند نه ماه جنك هوائی را که در جبهه آلمان و شوروی درگرفت میتوان بسه مرحله تقسیم کرد .

مرحله نخست شامل ماههای ژوئن و ژوئیه و اوت است و در این سه ماه هواپیماهای آلمان بر فرودگاهها و جاده هائیکه معبر نیروی ما بود حملات‌ناگهانی نمودند تلفات نیروی هوائی‌آلمان طی این حمله بهفت‌هزار و دویست هواپیما و نزدیك بیست هزار تن کارکنان نیروی هوائی بالغ گردید.

دومین مرحله جنك هوائی از آغاز ماه سپتامبر تا پایان ماه نوامبر بود و در این سه ماه رزمهائی‌درجنوب باختری مسکو و لنینگراد در گرفت .

در این‌دوره نیروی هوائی آلمان ابتکار درعملیات را از دست‌داده‌وبرعکس ما درهوا تسلط حاصل کردیم در این مدت نیروی هوائی دشمن پنجهزار و پانصد تا پنجهزار و هفتصد هواپیما از دست داد و دوازده هزار تا پانزده هزار از کارکنان آن تلف شدند .

سومین مرحله عبارت از ماههای دسامبر و ژانویه‌و فوریه ومارس است که دراین دوره برتری‌نیروی‌هوائی شوروی مسلم گردیده وهمین موضوع باعث شد که‌ارتش سرخ در تمام جبهه ها پیشرفت کنند .

اینك هم‌تلفات نیروی دشمن همچنان فزونی‌میابد و در نه ماه نخستین دوره جنك تلفات دشمن بسی‌وهشت هزارتن از کارکنان نیروی هوائی رسیده است .

واشنگتن ـ خبر گزاری انگلیس خبر میدهد در واشنگتن چنین تصور میرود که دولت امریکا ازتمام اتباع خود که در فرانسه غیرمتصرفی آلمان‌سکونت‌دارند درخواست کرده‌است بزودی‌به میهن خود باز گردند این تصمیم فقط شامل اشخاص عادی میگردد و بااوضاع سیاسی اخیر فرانسه هیچگونه ارتباطی ندارد .

نمایندگان سیاسی و مامورین کنسولگری های امریکا مشمول این تصمیم نمیشوند .

سیدنی ـ خبر گزاری انگلیس اطلاع میدهد نخست وزیر استرالیا چنین‌اعلام داشته که روز چهارشنبه اندکی از ظهر گذشته هوا پیماهای متفقین بر رابول حمله کردندبیك کشتی که در خلیج بود از نزدیك ضربتی وارد آمد و یك بمب دیگر هم در نزدیکی همان کشتی منفجر گردید .

احتمال میرود بمب‌افکنهای مابه اسکله ها و عمارات نیز حمله کرده باشند . تمام هواپیماهای ما صحیح وسالم بمراکز خود باز گشتند .

لندن ـ خبر گزاری انگلیس خبر میدهد محافل لندن‌تایید میکنند که‌مارشال فن‌روندشت‌فرمانده هی کل نیروی متصرف آلمانی در فرانسه بر قرار شده است و گمان‌میرود بجای مارشال فن ویتزلبن فرمانده کنونی نیروی متصرف در فرانسه مشغول کار گردد .

اینك نیروی آلمان در فرانسه از بیست تا بیست و سه لشگر مرکب از سیصد و چهل هزار تن از بد ترین سر بازان تشکیل یافته است .

لندن ـ چنانکه خبر گزاری‌انگلیس اطلاع‌میدهد وزارت هوا پیمائی اعلام داشته که نیروی انگلیس نقاط بارانداز (سن نازر) را بمباران کرده‌اندبعلاوه بمب‌افکن های انگلیس بر منطقه روهر باشدت هرچه تمامتر حمله نموده اند .

قاهره ـ خبرگزاری انگلیس خبر میدهد بطوری که ستاد ارتش انگلیس درقاهره اعلام میدارد نیرو های گشتی مادیروز در تمام مدت روز ابراز فعالیت نموده‌اند.

لندن ـ خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد چنانکه در لندن اظهار میشود هواپیماهای شکاری وبمب‌افکنهای انگلیس روز پنجشنبه بامداد بمنطقه دنکرك حمله‌برده‌اند.

لندن ـ بقرار اظهار خبر گزاری انگلیس محافل رسمی‌لندن امروزاظهار داشته اند که ازانتصاب‌سرلشگر فن روندشتت‌بفرماندهی نیروی آلمان در فرانسه چنین استنباط میشودکه آلمان برای این منطقه یك اهمیت لشگرکشی‌قائل است وبدین لحاظ دولت آلمان لازم‌دیده افسری که باوضاع جنگهای جدید آشناوآزموده باشد بفرانسه اعزام دارد.

چونك كينك ـ خبرگزاری انگلیس‌اطلاع‌میدهد چنانکه نماینده ستاد ارتش چین اظهار میدارد از زمانی که ژاپنیها در امتداد ایراوادی پیشرفت کرده اند جناح راست نیروی چین درمعرض‌خطر بزرگی واقع شده‌است واینك ژاپنیها قسمتهای عقب وجناحین نیروی چین‌راکه در ناحیه (مولد) میباشد تهدید مینمایند . نماینده نامبرده ضمناگفته است ژاپنیهابرای تقویت نیروی خود پنج‌لشگر تازه‌به‌برمه فرستاده‌اندودوتای‌این لشگرها عجالتابرانگون وارد شده اند چنانکه نیروی‌هوائی انگلیس ورود چهل هواپیمای سربازبر دشمن را دیده‌است .

لندن ـ بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس هواپیما های انگلیس روز پنجشنبه بر فراز شمال فرانسه فعالیت زیادی ابراز داشته‌اند .

یکدسته از هواپیما های بمب افکن انگلیس باتفاق هواپیماهای شکاری کارخانه‌برق وحوضچه‌های بندرلوهاور را بمباران کرده انـد . بقرار اخباری که تاکنون بدست آمده است تا کنون ۴ هواپیمای شکاری آلمان سرنگون‌گردیده و دو هواپیمای شکاری انگلیس بپایگاه‌خود بازنگشته‌اند

برن ـ بقرار اظهار خبر گزاری شوروی روزنامه نیمرسمی (اسروائر رومانو) ناشر افکار واتیکان‌مقاله ای به اصول نظم حقیقی نوین اختصاص داده و بدون آنکه صریحاً به نام آلمان اشاره کند مینگارد که مهاجمین در کشور های متصرفی خود به خرابیهای فراوان دست زده و قوای اقتصادی این کشور هارا مختل نموده‌ورشته های اقتصادی آنها را با سایر کشور ها می گسلند و بهمین جهت مسلم است که کشور های مفاد نسبت بـه مهاجمین و ستمگران خویش ابراز کینه وعداوت‌شدیدی می نمایند .

استکهلم ـ خبر گزاری‌شوروی‌خبرمیدهدروزنامه آلمانی برلینر بورسن تسایتونك اعتراف میکند که سپاه مونوریزه‌مجارستان بکلی روحیه خویش را از دست‌داده است و بهمین نظر از جبهه آلمان و شوروی باز گشته است .

واشنگتن ـ طبق اظهار خبرگزاری انگلیس اعلامیه وزارت دریاداری امریکا حاکی است که‌چند روز پیش فنیج کشتی مین بردار امریکا بدست هوانوردان بمب افکنهای ژاپنی در نزدیکی جزیره کرجیدورغرق گردیده ولی کارکنان آن تلفاتی ندادند .

واشنگتن ـ طبق اظهار خبرگزاری انگلیس اعلامیه وزارت دریا داری حاکی است که دو کشتی بازرگانی امریکا در کرانه اقیانوس اطلس اژدر خورده اند یکی از آنها متوسط ودیگری کوچك بوده‌است .

مسکو ـ چنانکه خبر گزاری انگلیس‌اطلاع میدهد آلمانیها بمنظور جلوگیری از پیشرفت روسها در جبهه (لنین گراد) اقدام بحمله نموده و مقداری از نیروی احتیاط خودّ را با همراهی ارابه های جنگی وتوپ خانه داخل میدان کارزار کردند این خبر در یك اعلامیه اضافی که در ساعت بیست وچهار انتشار یافته ذکر شده است و در آن اعلامیه ضمنا اشعارشده است که در این پیکارنه‌فقط آلمانیها عقب رانده‌شدندبلکه نیروی شوروی به پیشرفت جدیدی نائل گردیده یك نقطه مسکونی را که از طرف مهاجمین تبدیل به منطقه مستحکم شده بود بتصرف در آورده است و بعلاوه یازده توپ و مقدار هنگفتی دیگر مهمات جنگی از آلمانیها گرفته است از جمله غنائمی کـه در ظرف یك روز جنگ در جبهه (کالنین) بدست ما افتاده یکهزارمین است

لندن ـ خبر گزاری انگلیس خبر میدهد شب پنج شنبه هواپیما های آلمان بر یکی از شهرهای واقع در کرانه شمال خاوری انگلیس حمله بردند و در نتیجه چند خانه ویران گردید و عده ئی کشته شدند اطلاعات نخستین حاکی است که زیادی تلفات روی داده است توپهای ضد هوائی چنان بر مهاجمین شلیك کردند که میتوان گفت ماههاست بچنین شدت در این نواحی تیر اندازی ننموده بودند .

اخبار تلگرافی دیشب

واشنگتن- خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد بمب افکنهای امریکائی که روز دوشنبه و دیروز در (فیلیپین) به تاسیسات و کشتیهای ژاپنی حمله کرده اند چهار کشتی دشمن را غرق کرده و به چهار کشتی دیگر آسیب وارد آورده‌اند و گویا یکی از این چهار کشتی نیز غرق شده باشد. بقراری که اعلامیه وزارت جنگ امریکا خبرمیدهد چهار هواپیمای دشمن را نیز سرنگون ساخته اند.

مسکو - بقرار اطلاع خبرگزاری انگلیس اعلامیه شوروی که در ساعت بیست وچهار انتشار یافته‌است چنین اشعار میدارد:

درجبهه جنگ هیچگونه تغییری‌روی نداده‌است روز چهاردهم آوریل چهارده هواپیمای آلمانی منهدم گردیده است تلفات مابالغ بر ۵ هواپیماشده‌است ناوگان‌شوروی در دریای (بارنتز) یك کشتی دشمن بظرفیت نه‌هزار تن ویکی دیگر بظرفیت هشتهزار تن راغرق کرده اند.

واشنگتن ــ بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس کمیسیون دریاداری مجلس شورای امریکا تصویب کرده است که معادل ظرفیت دویست‌هزارتن زیر دریائی ساخته شود هزینه ساختمان این زیر دریائی ها بالغ بر نهصد میلیون دولار خواهد شد.

مالتــ خبرگزاری انگلیس اطلاع‌میدهدبقراریکه خبر رسیده است دیروز در جزیره مالت روی هم رفته‌سه هواپیمای دشمن منهدم گردیده است

واشنگتن ــ خبرگزاری انگلیس خبر می دهد بموجب گزارشی که به کمیسیون دریاداری مجلس شورای ملی‌آمریکا رسیده‌حریق کشتی‌نرماندی نتیجه‌عدم مواظبت ودقت بوده است.

دراین گزارش اشعار شده است از عمل‌خراب کاری بهیچوجه قرائنی در دست نیست.

چونك كینك – خبرگزاری انگلیس خبرمیدهد اعلامیه چین که روز چهار شنبه انتشار یافته حاکی است که ژاپنی‌ها درصددند نیرو های کمکی دیگردرجبهه‌های رودخانه (سالوین) بمیدان بفرستند اینك آنها همچنان برمواضع نیروی چین حمله‌سخت میبرند وهواپیماهایشان نیز ابراز فعالیت بیشتری می نمایند.

از قرائن معلوم میشود ژاپنی ها در شهرستانهای جنوبی چین حمله بزرگی نموده اند و جناح چپ‌نیروی چین‌را تهدید‌کرده اند و میکوشند راه‌آهن بین(ماندالة) و (لاشیو) را قطع کنند.

استکهلم – خبرگزاری انگلیس خبر می دهد دریابان (کادوف) افسر نیروی دریائی آلمان در روزنامه آلمانی (دویچه الگمانیه تسایتونك)چاپ برلن مقاله‌ئی انتشار داده و طی‌آن‌چنین نگاشته‌است ناوگان‌شوروی‌دردریای سیاه برتری دارد وبا استفاده ازایستگاه های سباستوپول و (نو روزیسك) و بما طوم عملیات خطرناکی انجام میدهند بطوریکه آلمانیهابا وسائل محدودی که در اختیار دارند همواره باید عملیات ناوگان شوروی را در نظر گیرندچنانکه جنك کریمه این موضوع را باثبات رسانید.

لندن ــ خبرگزاری انگلیس خبر میدهد روز چهار شنبه هوا پیماهای شکاری انگلیس بیابی در نقاط شمالی فرانسه پرواز کرده‌اندچند هواپیما ازنوع هریکین که حامل‌بمب بودندطی یکی از این‌پروازهایك فرودگاه دشمن را بمباران کردندوطی عملیات دیگر هواپیما های شکاری انگلیس همراه یکدسته بمب افکن انگلیس تاشربورك رفتند.

هواپیماهای انگلیس بر بار انداز های آنشهر حمله بردند.

ملبورنــ خبرگزاری انگلیس اطلاع می دهد بنابراعلامیه ای که ازطرف ستادارتش امریکادراسترالیا انتشار یافته است در طی حملات هوائی بمب افکنهای امریکائی که روز دو شنبه و سه شنبه در منطقه فیلیپین بوقوع پیوسته‌است کشتی ها و بنادر هوائی ونقاط بارانداز هواپیماهای دشمن منهدم گردیده و یا آسیب دیده اند هواپیما های مهاجم تحت فرمان ژنرال (رواس) رئیس ستاد ژنرال (برت) عملیات خود را انجام داده اند.

یك‌هواپیمای امریکائی ازبین رفته‌است‌ولی کارکنان آن صحیح وسالم مانده اند.

ژنرال (رواس) و سرهنك (دویس) و سروان (رستروم)امروز هنگام ورود بفرودگاه استرالیا پاس موفقیتهائی که بدست آوردند بدریافت نشان افتخار نائل گردیدند.

مسکو ــ خبرگزاری انگلیس خبر می دهد اعلامیه اخیر تکمیلی دولت شوروی حاکی است که چهل سرباز آلمانی متمرکز در ناحیه (استارا یاروسا)اخیرا بدریافت نشان صلیب آهن نائل شده بودند این چهل تن بستاد نیروی آلمان‌خوانده شدند که طی مراسم مخصوص نشان های‌خویش رادریافت دارند ولی ناگهان درمرکز ستاد انفجار مهیبی دست داد و در نتیجه آن چهل تن با عده ئی از افسران دیگر تلف شدند سبب شهرت یافت آن عبارت مین گـزاری شده بود و مسبب خرابی آن نیز جنگجویان غیر نظامی روسی بودند.

استانبولــ خبرگزاری انگلیس خبر می دهد بطوریکه خبر رسیده دولت رومانی بسربازان متمرکز در جبهه شوروی و آلمان قدغن نموده که حق ندارند بخانوادهای خویش نامه بنگارند و مقرر داشته است که متخلفین زندانی گردند این حکم سخت ازآن رو صادر گردیده که باعث تزلزل روحیه سربازان میشود باوجود سانسور در میان افراد ارتش پراکنده میگردد سربازان طی نامه های خود از محرومیتهای خود و تلفات سنگین ارتش سخن میرانند و همین موضوع تاثیر ناگواری در مردم دارد و کمکی شایان بنشرشایعات خطرناك مینماید

آگهی

برای رفاه‌عموم مجدداً نرخ کالاهای دولتی را متذکر وعاملین فروش اداره کل پخش راکه درتمام محله های شهرهستند بانشانی کامل درزیر معرفی مینماید.

عاملین نامبرده موظفند کالا را به نرخ مقرره به عموم مراجعه کنندگان بفروشند.

برای مبارزه باگرانفروشی وظیفه هـر فردی است که این آگهی را بریده ودرخانه نگاهدارد وخود راموظف بداند که اقلا تامدت معینی فقط ازاشخاصیکه بقیمت صحیح جنس را میفروشند خرید نماید تاعموم کسبه مجبور شوند رعایت بهای رابنمایند.

ازعموم خواهش میشود بمحض اینکه تخلفی از عاملین مشاهده نمایند فوراً مراتب را کتباً باداره کل پخش اعلام دارند تامتخلف ازعاملیت محروم میشود.

ش۳۰۵ ۲ـ۳ **اداره کل پخش**

صورت عاملین فروش درتهران

۱ـ مغازه خواربار	انتهای غربی خیابان شاهرضا نزدیك دانشگاه
۲ـ « بهمن‌بهرامی	اواسط شاهرضا میدان فیشرآباد
۳ـ « کیاهی	خیابان شاه آباد
٤ـ « روزی	میدان بهارستان
۵ « کاله	میدان پهلوی (چهارراه حسن‌آباد)
٦ـ « حاجی آقا رضا	میدان شاهپور
۷ـ آقای اسمعیل امامی	خیابان قزوین
۸ـ مغازه حاجی غلامرضا	بازار دروازه حضرت‌عبدالعظیم
۹ـ « خواروبار شعبه ۲	چهار راه سیدعلی
۱۰ـ « یزدیان	سه راه امین حضور
۱۱ـ « آقای غلامحسین دولو	خیابان ری
۱۲ـ آقای یونس نجمی	چهارراه‌پهلوی
۱۳ـ « عبدالله اصفهانی پور	سبزه میدان
۱٤ـ « علیرضا حسینی	سرچشمه
۱۵ـ « حسینقلی جعفری معیری	چهار راه یوسف آباد
۱٦ـ « علیزاده	بوذر جمهری نزدیك گلبندك
۱۷ـ « هاشمی	عباس آباد
۱۸ـ « توشه	قسمت جنوبی خیابان سیمتری
۱۹ـ « ابراهیم کریم آبادی	قسمت شرقی خیابان بوذرجمهری
۲۰ـ « یوسف حاجی بیگلو	خیابان منوچهری
۲۱ـ « غلامرضاتهرانی	بازار دالان حاجی‌حسن
۲۲ـ « محمد رئوفی	خیابان بهارستان (سیروس)
۲۳ـ حاجی‌علی اصغر فخار زاده	خیابان خراسان
۲٤ـ آقای‌شعبانعلی شاکری	پامنار
۲۵ـ مغازه بهار	خیابان گمرك
۲٦ـ حاجی آقارضا رفوگران	چهار سوق کوچك
۲۷ـ « محسن قندچی	میدان محمدیه
۲۸ـ « سیدعلی آقا	اول خیابان خانی آباد
۲۹ـ « حاجی عبدالله گیلانی	میدان مازندران
۳۰ـ « رجبعلی میرصراف	میدان امین السلطان
۳۱ـ « آقای قاسمی	ناصرخسرو
۳۲ـ « حاجی علی آقا رضوان	انتهای امیریه
۳۳ـ « آقای جواد شاکرین	خیابان سیمتری نزدیك پمپ بنزین
۳٤ـ « علی خیرخواه	چهار راه ملك
۳۵ـ « عباس مصلح صدری	خیابان اسلامبول
۳٦ـ « عبدالرسول پشمی	خیابان مولوی
۳۷ـ « عبدالله کاوسی	خیابان ایران
۳۸ـ « باقر مالکی	سه راه شاه
۳۹ـ « حسن گلکار	چهار راه بهرامی
٤۰ـ « نشاط	تجریش
٤۱ـ « سیدمرتضی رضوی	«
٤۲ـ « سیدمهدی میری	دربند

قند	کیلوئی	۸ر۵۰ ریال
آب نبات	«	« ۸ر۵۰
شکر	«	« ۷ر۵۰
چای ممتاز خارجه زرین	بسته	« ۳۰
« درجهٔ ۲ خارجه کم زر	«	« ۲۸
« « ۲ سیاه	«	« ۲۵
« ممتاز داخله تنکا چای	«	« ۲۱
« درجه ۱ داخله لاکانچی	«	« ۱۹
سیگارت تاج بیست عددی	«	« ۱٦
« تاج ۵۰ عدد	«	« ۲
« افسر بیست عددی	«	« ۵
« افسر ۵۰ عددی	«	« ۱ر۸۰
« همای شماره دو ۵۰ عددی	«	« ٤ر۵۰
« « شماره۳ طلائی ۲۰ «	«	« ٤
« گرگان قدیم ده عددی	«	« ۰ر۷۵
« « بیست عددی	«	« ۱ر۵۰
« « پنجاه عددی	«	« ۳ر۷۵
« « صد عددی	«	« ۷ر۵۰
« « بیضی ۲۵ عددی	«	« ۲ر۸۰
« شماره ۵ بیست عددی	«	« ۲ر۵۰
« شماره پنج ٤۵ عددی	«	« ۵ر٦۲۵
« اشنوی ده عددی	«	« ۰ر۸۰
« « پنجاه عددی	«	« ٤
« « صد عددی	«	« ۸
« فومن ده عددی	«	« ۰ر۷۰
« گیلان ده عددی	«	« ۰ر۷۵
« برگی ظریف پنج عددی	«	« ۰ر۷۵
« « فیروزه پنج عددی	«	« ۰ر۷۵
« « فیروزه ده عددی	«	« ۱ر۵۰
« « فیروزه‌بیست‌عددی	«	« ۳
« « روی پنج عددی	«	« ٦
« « روی ده عددی	«	« ۲
« « شکوفه پنج عددی	«	« ٤
« ستاره پنج عددی	«	۷ر۵۰
« ستاره د عددی	«	« ۱۵
« ستاره بیست عددی	«	« ۳۰
« ستاره بیست پنج عددی	«	« ۳۷ر۵۰
« کلبرك پنج عددی	«	« ۷ر۵۰
« کلبرك ده عددی	«	« ۱۵
« کلبرك بیست عددی	«	« ۳۰
« کلبرك بیست وپنج عددی	«	« ۳۷ر۵۰
« زبده ده عددی	«	« ۳۰
« زبده بیست عددی	«	« ٦۰
« زبده بیست وپنج عددی	«	« ۷۵
تنباکوی هکان	کیلوئی	« ۱٦
« خوانسار درجه ۱	«	« ۱۳
« « « ۲	«	« ۱۲
« شیراز درجه ۱	«	« ۱۳
« « « ۲	«	« ۱۲
« بنادر جنوب درجه ۱	«	« ۱۲
« بنادر جنوب درجه ۲	«	« ۱۱
« شاهرودی درجه ۱	«	« ۱۱
« شاهرودی درجه ۲	«	« ۱۰
« کاشانی « ۱	«	« ۱۱
« « « ۲	«	« ۱۰
« سمنانی « ۱	«	« ۱۱
« « « ۲	«	« ۱۰
« خراسانی	«	« ۱۰
« کاشی طبسی	«	« ۱۰
توتون چپق ممتاز	«	« ۳۰
« زرین	«	« ۲۵
« درجه یك	«	« ۲۵
« درجه دو	«	« ۲۲
« درجه سه	«	« ۲۰
« نیمکوب درجه ۱	«	« ٤٤
« نیمکوب درجه ۲	«	« ٤۰

آگهی مناقصه شماره ۵٤۵

وزارت بازرگانی و پیشه و هنر خرید ۱۰ جعبه میخ جهت مصرف کارخانه شاهی را بمناقصه خریداری مینماید. شرایط قبول پیشنهاد و صورت مشخصات در اداره حسابداری کارخانه‌های قند و واگذاری (خیابان شاه) موجود و فروشندگان میتوانند همه روزه درساعات اداری تا تاریخ دوشنبه ۷ر۲ر۱۳۲۱ مراجعه و برایگان‌دریافت دارند.

۲۹۳٦ ش ــ ۳۰۸ **وزیر بازرگانی وپیشه وهنر**

آگهی مزایده

اعیانی سه دانك مشاع از ششدانك خانه باستثناء بهاربند و طویله بلاك ۱٦۲ ـ ۱۳۳ واقع در ده کرج ملکی‌آقای‌ولی‌الله امیر بیگی که‌تقاضای ثبت نشده و در اجاره هم‌نمیباشد طبق‌مقررات در روز سه‌شنبه هشتم‌اردیبهشت ماه ۳۲۱ دو ساعت قبل از ظهر در شعبهٔ ثبت کرج بطور مزایده بفروش میرسد طالبین میتوانند درروز مزبور در خرید شرکت نمایند و حراج از مبلغ ۱۵۰۰۰ ریال شروع‌خواهد شد تاریخ انتشار پنج‌شنبه بیستم فروردین‌ماه۱۳۲۱

شماره ۲۷۰ ۲ ـ ۳ **رئیس ثبت کرج شیخ‌الاسلامی**

شرکت چاپخانهٔ تابان